



اندیشه عرفانی امام

انسانی عارف و معنوی ساخت که جز خدا و مردم به عنوان خانواده خدا دغدغه‌ای دیگر نداشت. در این مقال، ابتدا به تعریف مختصری از عرفان پرداخته و سپس ویژگی‌های اندیشه عرفانی امام را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

عرفان نام علمی از علوم الهی است که موضوع آن شناخت حق و اسماء و صفات اوست و راه و روشی است که اهل‌الله برای شناسایی حق انتخاب کرده‌اند (۱).

استاد بزرگوار جلال‌الدین همایی برای ترجمه عرفان «بازشناسی» را پیشنهاد می‌کردند و معتقد بودند که کار عارف، شناسایی بی‌سابقه و ابتدا به ساکن نیست بلکه انسان به حکم فطرت و نظر به عهدی که از ازل از بنی‌آدم گرفته شده، نیازمند نوعی یادآوری و بازشناخت است و عرفان تلاشی روحانی و معنوی برای بازگشت

تاکنون این فرصت را داشته‌ایم که در خرداد ماه هر سال که آن را ماه امام خمینی نامیده‌ایم، به بعدی از ابعاد وجودی این بزرگ بپردازیم و در حد توان ابعاد زندگی سیاسی، اجتماعی و انقلابی ایشان را بررسی کنیم. در سال جاری، تصمیم بر این است که اندیشه عرفانی امام را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم تا این بعد وجودی ایشان نیز ناشناخته نماند.

بعد معنوی و عرفانی امام خمینی مهم‌ترین و والاترین بعد شخصیتی ایشان است که خداجویی و خدانشناسی محور آن می‌باشد و به همین دلیل سراسر زندگی او همراه با زهد، تعبد، توسل و محبت به اهل بیت پیامبر، اخلاق، انضباط، بی‌ریایی، مبارزه با نفس، امیدآفرینی و علاقه شدید به قرآن بوده است. این ویژگی‌ها عامل فنای کامل او در حق و حقیقت شد و از او

از سئوالات مطروحه در این زمینه می باشد. ویژگی مهم عرفان عملی امام کیفیت سیر و سلوک است به طوری که ایشان نماز را مطمئن ترین و استوارترین محمل برای سیر و سلوک برگزیده است تا سالک در هیچ مرحله ای شریعت را از طریقت جدا نداند و در طی مراحل از خطرات تخیلات مصون بماند.

عرفان امام عرفانی جامعه گرا و مخالف عزلت است و این اندیشه در مقابل تفکر تعداد زیادی از عرفای گذشته قرار دارد که پانهادن عارف به دنیا را دون شأن و منزلت او می دانند. این گروه معتقدند پست ترین عرصه وجود دنیا است و کسانی که عمر گرانبهای خویش را صرف تدابیر امور دنیوی می کنند، از نعمت عرفان حقیقی بی بهره اند. آن ها می گویند عارف واقعی هیچ گاه به دنیای فانی نظر ندارد و برای حفظ گوهر عرفان فارغ از خلق به گوشه عزلت رو می آورد و دعوت به سکوت و انزوا می کند و دوری از دنیا را به همگان گوشزد می نماید. این دسته از عارفان بی تفاوتی در برابر ظلم و ستم و مسئولیت اجتماعی را این گونه توجیه می کنند که اداره عالم در دست خدا است و هر چه او بخواهد واقع می شود و با این استدلال، کار برای اصلاح جامعه را تلاشی بیهوده می دانند.

اندیشه عرفانی امام در مقابل اندیشه عزلت طلبانه این دسته از عرفا قرار دارد و معتقد است اندیشه ای که از نور معرفت الهی روشن شد باید جامعه را نورانی کند تا همگان از آن بهره مند شوند، زیرا دلی که از محبت خدا مالا مال شد محبت خلق را نیز با خود دارد. وی این اندیشه عرفانی را از پیامبر گرامی و ائمه معصومین

به مأوای پیش از هبوط می باشد (۱). آثار عرفانی امام خمینی گنجینه گرانبهایی است که مشی امام را در عرفان نظری به خوبی شرح می دهد و به بیان ناگفته ها، تنقیح مطالب و حل معضلات علوم الهی از یک طرف و از سوی دیگر، به تحکیم بنیان اندیشه عرفان شیعی بر مبنای ره آوردهای غیبی از مصدر ولایت امامان معصوم می پردازد و در نهایت، ولایت را جوهر عرفان و معرفت را بدون آن کامل نمی داند.

امام مطالعه سطحی در احادیث و سیره معصومین را جهلی آشکار می داند و معتقد است اگر ظاهر شریعت راهی به سوی باطن برای سالک نگشاید با حقیقت بیگانه است و هم چنین طریقتی که با شریعت آغاز نشود و در جاده شریعت به سیر خود ادامه نهد، در بیراهه ای می تازد که هرگز به سر منزل مقصود نخواهد رسید. ایشان شریعت و طریقت را ظاهر و باطن حقیقتی می داند که پیوند حقیقی آن دو در مصدر ولایت ایجاد می شود و سرانجام با حصر سلوک ظاهری و باطنی در ولایت، تنها راه ارتباط با عالم غیب را در معرفت و اطاعت خالصانه از پیامبر گرامی و ائمه معصومین می شناسد (۲).

امام خمینی در کتاب های چهل حدیث، سرالصلاة و مصباح الهدیه با استفاده از احادیث ائمه معصومین به حل بعضی از معضلات علوم الهی نظیر معرفت حق تعالی و سیر تجلی، علم خدا، مشیت و اراده، قضا و قدر، جبر و اختیار و ... پرداخته و گره های علمی گوناگونی را گشوده است به گونه ای که پاسخ گوی بسیاری

دریافت می‌کند، عرفانی که خلق را مظهر حق و نجات آن‌ها را از چنگال ظلم و ستم بزرگ‌ترین مسئولیت خود می‌داند.

هنر برجسته امام این است که به پاکی و پیشرفت ناشی از خودسازی در انزوا و خلوت خویش بسنده نمی‌کند و پس از طی این دوره وارد جامعه می‌شود و با استفاده از اندیشه عرفانی خود که دین را تنها راه نجات و رستگاری بشر می‌داند، به اصلاح امور مردم می‌پردازد. امام مانند دیگر مردان الهی وارد دنیا و جامعه می‌شود اما به رذایل دنیایی آلوده نمی‌گردد. او با نگاه، کلام و پیام خود ایران و جهان اسلام را دگرگون می‌سازد اما مشکلات و طوفان‌ها او را نمی‌گریزند و از نامردمی‌ها ملول نمی‌گردد.

از مسایل مهم دیگری که توسط عرفان امام خمینی حل گردید، پیوند بین عرفان و احکام شریعت بود، زیرا تا قبل از آن تعدادی از فقها سوء استفاده بعضی از عارف‌نماها را ملاک قرار داده و با عرفان مخالفت می‌کردند و تعدادی از عرفان‌نیز فقها را ظاهرین و محدودنگر قلمداد کرده و به آن‌ها حمله می‌کردند. امام خمینی که خود فقیهی بزرگ و عارفی منحصر به فرد بود فقه و عرفان را به یکدیگر پیوند داد و از این طریق احکام شریعت را لطافت، احساس و عشق بخشید و عرفان را از خطر سوء استفاده خانقاه نشین‌ها رهایی داد. ایشان معتقد است که نه تنها تعارضی بین فقه و عرفان وجود ندارد بلکه بین آن‌ها وحدت ماهوی موجود است و بر همین مبنا شریعت نردبان وصول و عرفان مقصد وصول است (۲).

امام برخلاف بعضی دیگر از عرفا که توجه به مردم و دنیا را مانع راه سالک می‌دانند، معتقد است که همه مخلوقات، آیات الهی هستند و توجه به آن‌ها باعث حجاب و مانع راه نمی‌شود و به همین دلیل ایشان خدمت به خلق را که از مظاهر خداوند متعال است، عمل شایسته می‌داند و فرزند خود را به خدمت به خلق توصیه می‌کند و آن را خدمت به حق می‌داند. امام معتقد است موانع سیر و سلوک انانیت (خودبینی) سالک و نسبت دادن رهیافته‌ها در منازل سیر و سلوک به خود و نه خدا می‌باشد. در قسمت پایانی مطلب به جوهر اندیشه عرفانی امام اشاره می‌کنیم که شامل دو عنصر محضرشناسی و مظهرشناسی است. این اندیشه معتقد است که وقتی عارف در اثر سیر و سلوک و ریاضت خود را به محضر خداوند متعال رساند، همه جای عالم را محضر او می‌بیند و در همین چارچوب امام اظهار می‌دارد: عالم محضر خدا است. از جانب دیگر، وقتی عارف مظهرشناس شود، خود را مظهر خدا و جلوه‌ای از او می‌بیند و به همین دلیل روح شجاعت و حماسه در او تبلور می‌یابد و ترس از غیر خدا در او راه نمی‌یابد و بر همین مبنا امام می‌گوید در طول عمرم از هیچ حادثه‌ای نترسیده‌ام.

این دو ویژگی عرفانی اساس اندیشه اصلاح اجتماعی و نهضت دینی امام است. ایشان با همین اندیشه انقلاب عظیم اسلامی را در خطرترین شرایط رهبری کرد و تصمیمات حکیمانه‌ای در شرایطی سخت اتخاذ نمود که گاهی تمامی دوستان و همفکران ایشان با آن

در این مقال نمی‌گنجد و امید است علاقمندان موضوع با دقت کامل و در شرایط مناسب به آن بپردازند.

در پایان و جهت حسن ختام مقاله شعری عرفانی از اشعار امام را نقل می‌کنم تا شمه‌ای از اندیشه ایشان در این زمینه ترسیم گردد.

مخالف بودند. اشاره به بازگشت امام از پاریس و یا مخالفت با حکومت نظامی و دستور برای شکستن آن از مواردی است که بدون توجه به ویژگی‌های فوق قابل تحلیل نیست.

تحلیل همه جانبه و علمی اندیشه عرفانی امام نیاز به فرصت و منابع گوناگون دارد که طبیعتاً

با که گویم؟

با که گویم غم دیوانگی خود جز یار؟
از که جویم ره میخانه به غیر از دلدار؟
سر عشق است که جز دوست نداند دیگر
می‌نگنجد غم هجران وی اندر گفتار
نوبهار است، در می‌کده را بگشاید
نتوان بست در می‌کده در فصل بهار
باده آرید در این فصل به یاد ساقی
نسزد رفت به گلزار بدین حال خمار
خم زلفی بگشا، ای صنم باده فروش
حاجت این دل غمگین به سر زلف برآر
روز میلاد مهین عاشق یار است امروز
مددی کن، سر خم را بگشا بر ابرار
حالتی رفت ز دیدار رخس برمستان
می‌نگویم به کسی، جز صنم باده گسار

دکتر سید محمد صدر

منابع

۱. فرشباغیان ا. مشرب عرفانی امام خمینی و حافظ. چاپ اول. تهران: مؤسسه چاپ و نشر عروج؛ ۱۳۷۶: ۲۷ - ۲۶.
۲. منصورری لاریجانی ا. سیری در اندیشه عرفانی حضرت امام (ره). چاپ اول. تهران: مرکز نشر فرهنگی آیه؛ ۱۳۷۷: ۸ - ۷ و ۱۶۰ - ۱۴۲.